

- به نام خداوند جان و خرد خانم‌ها آقایان با سلام عرض ادب دارم. طبق معمول در خدمت دو دوست از گروه رسانه‌های نوزایی ایرانی هستیم. آرش گرگین و همین طور شاهین نژاد. داشتم قبل از اینکه برنامه شروع بشه به اون پیشگفتاری که نوزایی ایرانی پخش کرده بود. نگاه می‌کردم و می‌خوندم و گوش می‌کردم. دیدم که واقعا رسانه‌های گروهی چه نقش مهمی رو دارند در گرفتن افکار عمومی برای هر مسئله‌ای. و بعد به یادم اومد که امروزه افکار عمومی در مورد یک مسئله در مورد ایران بسیار متشنج است. و نمی‌دونیم ماجرا چیه. مسئله هسته‌ای به کجا می‌خواهد بیانجامد و آیا توافقی انجام میشه یا نمیشود؟ اگر بشود چگونه هست اگر نشود چگونه هست چه سودی برای شهروند ایرانی دارد؟ به همین دلیل از آقایون خواهش کردم که اجازه بدهند امروز به جای اینکه ما به مسائل ایرانشهری بیشتر پردازیم یک قدری بیایم توی جامعه به مسائل سیاسی اجتماعی هم نگاهی بکنیم و ببینیم که این مسئله تسلیحات اتمی تسلیحات هسته‌ای چه نفعی برای جامعه دارد برای اینکه ما هر کاری که می‌کنیم فقط به جامعه داریم فکر می‌کنیم دیگه. فعالیت‌ها مون باید برای جامعه باشد. به همین دلیل خیلی ممنونم. عرض ادب می‌کنم خدمت آرش گرگین و شاهین نژاد هر دوی آقایان از راه دور از طریق اسکایپ سلام.

- درود بر شما جناب اخوان. درود بر شما جناب شاهین گرامی و بینندگان عزیز.

- درود بر دوستان ارجمند جناب اخوان و جناب گرگین گرامی و هموطنانی که با ما هستند.

- ما سه نفر هر سه نشون دادیم که هوا خیلی گرمه در منطقه شما در منطقه اروپا و در منطقه ما در لس‌آنجلس. به هر حال این گرما هست و هست دیگه چاره‌ای هم نداریم. لباس تابستانی پوشیدیم. می‌خواهم اول از کیخسرو آرش گرگین سؤال بکنم با اجازه تون. آقای گرگین ما چرا دنبال تسلیحات اتمی میریم و آیا اصولا این حق ماست آیا واقعا باید دنبال این مسئله بریم؟ داشتن تسلیحات اتمی چه نفعی برای جامعه‌مون دارد و یا نداشتنش چه ضرری می‌تواند داشته باشد؟ به گوشم.

- بله پرسش بسیار خوبیست جناب ببینید مسئله هسته‌ای هم از روزن اقتصادی قابل بررسی هستش و هم از روزن امنیتی.

برای بنده امر مهم‌تر روزن امنیتی هستش. از لحاظ اقتصادی کارشناسان که بنده جزو آنها نیستم بر این باور هستند که می‌تواند مثبت باشد و می‌تواند منفی باشد. آنها به یک کانزنسوس و به یک همراهی نرسیدند. از همین رو بسیاری هستند که می‌گویند سرمایه‌گذاری که در بخش هسته‌ای می‌شود اگر در حوزه انرژی خورشیدی فرضا بشود می‌تواند بیشتر به سود ایران تمام بشود و بعضی می‌گویند خیر باید رفت به سوی انرژی هسته‌ای و بعضی می‌گویند هر دو. بنده فکر می‌کنم هر دوش باشد بهتر است. ولی امر مهم که امشب می‌خواهیم بیشتر بهش پردازیم از روزن امنیتی هستش. امنیت رو از روزن‌های گوناگون می‌شود بررسی کرد. از روزن اقتصادی، از روزن فرهنگی، از روزن سیاسی و مسلما از روزن نظامی. پرسشی که اینجا مطرح هست این است که آیا ایران باید بمب اتمی داشته باشد یا خیر؟ این یک مسئله مهمی هستش که فارغ از اینکه چه حکومت و چه رژیمی بر سر کار هست، اهل تفکر باید به آن پردازند. در زمان حکومت پیشین دوره دوم محمدرضا شاه آنچه که می‌دانیم این هست که رفته بودند پای به دست آوردن صنایع هسته‌ای. خب اینکه مشهود هست و گویا نیم نگاهی هم در صورت لزوم به ساختن بمب اتم داشته‌اند این چیزیه که می‌شود از خلال گفته‌های آقای علی اکبر اعتماد رئیس پیشین اتمی ایران در زمان پهلوی دوم استخراج کرد. بعد از انقلاب اسلامی و اومدن آخوندها بر ایران آنجا هم گویا در یک زمانی یک همچین گرایش‌هایی بوده است ولی به هر حال گذاشتند کنار. در حال حاضر به این گونه هستش که رهبر انقلاب اسلامی آقای خامنه‌ای فتوا داده است که این مسئله حرام است. و ما فرضا در زمان احمدی‌نژاد هم می‌شنیدیم که ایشون می‌گفت بمب اتمی امنیت نمی‌آورد. اگر بمب اتمی امنیت می‌آورد فرضا اتحاد جماهیر شوروی با داشتن اون

میزان از بمب‌های اتمی سقوط نمی‌کرد. خب این‌ها یک سری استدلال‌های دینی، استدلال‌های حقوقی و استدلال‌های سیاسی هستند که در این زمینه شده است از سوی کسانی که بر قدرت حاکم بودند. حال ما چه زاویه‌ای با هر یک از اینها داشته باشیم اون به کنار. این چیز است که بر روی میز هستند و اینها گفتند. در میان متفکرین ایرانی و الیت سیاسی ایرانی آنجا تا آنجایی که بنده می‌دانم همه با همدیگر بر این امر توافق دارند که بمب اتمی بد است و ما باید این مسئله رو کاملاً فراموش نکنیم و یک عده‌ای هستند که اصلاً می‌گویند کلاً انرژی هسته‌ای رو باید گذاشت کنار که هیچ گونه بهانه‌ای به غرب نداد برای اینکه ما رو تحریم بکند و تحت فشار اقتصادی سیاسی قرار بدهد. بنده فکر می‌کنم این غلط است. امنیت ایران بسیار امری پیچیده است و چند وجهی. در بعضی از کشورها امنیت را می‌شود با اقتصاد به دست آورد. در بعضی از کشورها می‌شود با آمیزه‌ای از اقتصاد و فرهنگ و سیاست به دست آورد. در حوزه تمدنی که ما قرار داریم رشد اقتصادی و پیشرفت اقتصادی و ثبات اقتصادی هرگز امنیت آور نبوده است. این مسئله در رابطه با ایران صدق می‌کند. ببینید در زمان شاه ما یک دوره ده دوازده ساله داشتیم که ایران دارای رشد اقتصادی دو رقمی بود. غیر از آلمان دهه بعد از جنگ جهانی دوم که دارای یک معجزه اقتصادی شد هیچ کشور دیگه‌ای نتوانست بیش از یک دهه رشد اقتصادی دورقمی داشته باشد. این تنها ایران بود که به یک همچنین امر مهمی دست یافت. بنابراین رشد اقتصادی بود و امنیت اقتصادی بود ولی با خود آنچه که نیامد امنیت کشور بود. این نشان‌دهنده چیست؟ نشان‌دهنده این هست که لزوماً قدرت اقتصادی ایران فرضاً ایران بشود ژاپن. بگیریم بشود ژاپن ولی این قدرت اقتصادی برای کشوری مانند ایران با بافت منطقه‌ای که دارد و تجربیات تاریخی که ما داریم این قدرت اقتصادی برای ما امنیت مطلق نمی‌آورد. می‌تواند به سود زندگی روزمره مردم تمام شود. در این شکی نیست ولی امنیت پایدار برای ایران نمی‌آورد. امنیت در درون ایران به باور بنده بیش از هر چیز مبتنی بر فرهنگ هستند. بر فرهنگ و بر سپاه. یعنی ارتش نیروی نظامی. این دو تا هستند که بیشترین میزان امنیت را برای ایران می‌آورند. در حال حاضر ما نه امنیت فرهنگی داریم و نه امنیت نظامی داریم. ببینید دور تا دور ایران کشورهای متخاصم هستند. غرب در کلیتش چه زمان رضا شاه چه زمان محمدرضا شاه و چه بعد از اینها و چه حتی در فاصله دهه ۲۰ تا ۳۲ یعنی فرقی نمیکند در ایران قدرت دست کی باشد؟ غرب یک حالت تهاجمی نسبت به ایران دارد. ما این را بارها صحبت کرده‌ایم. یک امری دراز مدت هستند و نوع نگاهی که غرب به ایران زمین داشته است همیشه مبتنی بر دشمنی و نابودی ایران زمین بوده است. این‌ها خواستار یک همزیستی مسالمت آمیز با ایران زمین نیستند و این را در برهه‌های مشخص تاریخی همواره نشان دادند. الان نیز جز این نیست. حال پرسش این است در برابر یک همچنین پیرامون مبتنی بر دشمنی پایداری چگونه باید برخورد کرد؟ آیا ایران...

- می‌بخشید خیلی شرمنده هستم تلفن من روی سایلنت نبود می‌بخشید.
- بله پیش میاد خواهش می‌کنم. آیا ایران باید بمب اتمی داشته باشد یا خیر بنده می‌گویم بله چرا نباید داشته باشد؟ ببینید از روزن تمدنی بخواهیم بررسی بکنیم کمپیوسیوس یعنی سرزمین چین بمب اتمی خود را دارد. اینها حوزه‌های تمدنی هستند. هندوئیسم بمب اتمی خود را دارد. مسیحیت در هیئت کشورهای گوناگون بمب اتمی خود را دارد. جهودیت در هیئت اسرائیل و همپیمانان بمب اتمی خود را دارد و اسلام که من ایران رو خارج از حوزه تمدنی اسلام می‌دونم. حال فارغ از اینکه بر ایران کنونی چه حکومتی هست، اسلام نیز در هیئت پاکستان بمب اتمی خود را دارد. خب ترکها که هستند و اون‌ها هم در حوزه اسلامی هستند و تحت پوشش امنیتی ناتو قرار دارند. اینجا تنها کشوری از تمدن‌های کهن که هیچگونه دیوار دفاعی قابل اطمینانی از خود ندارد ایران زمین سرزمین مجوس‌ها سرزمین زرتشتی‌ها هستند. این ما رو در یک حالت

لغزنده‌ای قرار می‌دهد که دائم بودن و نبودن ما دچار تهدیدهای بنیادی قرار می‌گیرد. این امریست بسیار مهم بودن یا نبودن. این بودن و یا نبودن امروز در شرایط اجتماعی و امنیتی که در جهان ما درش به سر می‌بریم حائز اهمیت است. این رو باید در پس ذهن داشت و در نظر گرفت که داشتن بمب اتم از نداشتنش، فرقی نمیکند که چه میزان هزینه برایش برود. برای ما مهم‌تر است. من این مسئله‌ای که صرفاً آقای احمدی‌نژاد گفتند، ببینید ایشان گفتند که و این به خاطر گفتن احمدی‌نژاد نیست پس ذهن بسیاری دیگر هست فرقی نمی‌کند چه کسی این سخن را گفته باشد، اینکه شوروی با داشتن اتم میزان از بمب اتم با این حال فروپاشید و نتوانست جلوی فروپاشی را بگیرد سخیست که در ظاهر درست است در باطن درست نیست. ما می‌توانیم اینگونه بگوییم که اگر شوروی بمب اتم نداشت و قدرت هسته‌ای نداشت بعد از فروپاشی آن بر سرش می‌آمد که امروز بر سر او کراین آمده است. یعنی روسیه‌ای هم دیگر باقی نمی‌ماند. این بسیار مهم است. او کراین بمب اتم داشت در زمانی که خواست خارج بشود از این حوزه اتحاد جمهوری شوروی یک سری قراردادهایی در اروپا اتفاق افتاد که گفتند بمب‌های اتمی او کراین باید تخلیه بشود. خب اینها تخلیه کردند و هم از اروپاییها و هم از روسها قول گرفتند که تمامیت ارضی اینها محترم شمرده شود. نه از سوی آمریکا محترم شمرده شد و نه از سوی روسیه محترم شمرده شد. اگر این بمب اتم در درون او کراین امروز بود مطمئناً شرایطی که امروز در او کراین حاکم بود به گونه دیگر می‌بود. و اگر به همین روال روسیه پوتین دارای این زرادخانه عظیم نظامی نبود و هسته‌ای نبود مسلماً غرب و اروپا با روسیه رفتار دگرگونه‌ای می‌داشتند. ایران نیز استثنا نیست. اگر ایران دارای توانایی دفاعی هسته‌ای باشد رفتار سیاسی، اقتصادی و نظامی غرب با ایران دگرگونه خواهد بود. ما باید سر این مسئله به یک توافق جامع برسیم که ایران از همه چیز مهم‌تر است. این مسئله مهم است. بمب اتم برای ما یک دیوار دفاعی به وجود می‌آورد که در دراز مدت به سود ماست. مسئله اقتصادی و مسائل از این جنم اتم‌ها ثانوی هستند و رشد اقتصادی ایران بسیار مهم است بسیار مهم است ولی تا زمانی که رشد فرهنگی نباشد ما به اتم رشد اقتصادی پایدار نمی‌رسیم. کما اینکه باز هم برمی‌گردم به زمان شاه ما دارای رشد اقتصادی بودیم لیک ضعف فرهنگی جامعه و حکومت و ضعف سیاسی حکومت برای بالا بردن و ارتقا سطح فکری و سطح فرهنگی جامعه باعث شد که تمام اتم دستاوردهای اقتصادی دود بشوند و به هوا بروند و ما امروز به جایی برسیم که اکنون درش به سر می‌بریم.

- من خوشحالم که در تمام مدتی که صحبت می‌کردی فکر من ذهن من دنبال فرهنگ بود و خیلی از مسائلی رو که اشاره کردید مخصوصاً در زمان پهلوی دوم که ما تمام قدرت داشتیم رشد اقتصادیمون دو رقمی بودش و مسائل دیگه همش رو باعث خوشحالی بود ولی شما نظر خودت رو گفتی منم نظر خودم رو میگم ببخشید. چیزی نیست. من فکر می‌کنم که مشکل، مشکل نداشتن قدرت نظامی نبود مشکل، مشکل فرهنگ اجتماعی بود مشکل، مشکل آگاهی عمومی بود مشکل، مشکل فریب خوردگان بود مشکل، مشکل کسانی بودش که منافع شخصیشون جلوتر از منافع جامعه مملکت و اجتماعشون است. می‌بخشید. حالا میرم با شاهین یک صحبتی می‌کنیم و باز برمی‌گردیم به شما. شما می‌توانید اگر مخالفتی با دیدگاه بنده دارید ابراز بکنید. من نمی‌دانم چرا اخیراً در بعضی برنامه‌ها با شما و شاهین که می‌شینم دیدگاه خودم رو هم عرضه می‌کنم. در حالی که من همیشه روشم این نبوده که در برنامه‌های تلویزیونی دیدگاهی نظری بدم. شاهین جان سوال اولیه و جواب و موافقت با دیدگاه‌های آرش یا نه و کل ماجرا بگو میکروفون دست توست.

- سپاسگزارم ما چون عمدتاً به دنبال یک جنبش فکری هستیم به دنبال بازیابی ایران شهری هستیم طبیعتاً آبخور نگاهمون یک جاست بنابراین روی کلیات همیشه توافقات خیلی پررنگی هست. صحبتی که می‌کنم به نوعی می‌تواند مکمل صحبت‌های جناب گرگین باشد می‌تواند یک جاهایی هم یک تفاوت‌های اندکی داشته باشد. بحث امنیت به نظر من

بحث بسیار مهمیست. یعنی امنیت ملی برای یک کشور در صدر آن چیزهاییست که میشود لیست کرد فهرست کرد به عنوان اولویت‌های یک کشور. اگر امنیتی برای کشور نباشد بقیه‌اش دیگر خواب و خیال است. چون کشوری وقتی نباشد دیگر اقتصاد و فرهنگ و اجتماع بی‌معنی میشود. در مورد اینکه ما در ایران فارغ از اینکه چه کسی در مصدر حکومت باشد باید ایران، ایران نیرومندی باشد در این هم فکر کنم هیچ بحث و گمانی نیست و ایران باید نیرومند باشد نه تنها نیرومندی اقتصادی به جای خودش نه تنها نیرومندی نظامی ارتشی و سپاهی به جای خودش بلکه یک اقتدار سیاسی داشته باشد که این اقتدار سیاسی را هم درون مرزهای خودش اعمال کند. اقتدار منظورم مطلقا استبداد نیست. اقتدار به معنای داشتن دولتی بسیار نیرومند که شهروندانش بهش ایمان داشته باشند و اون رو از خودشون بدانند و دوشادوش همدیگر به ساختن کشور بپردازند. از سوی دیگر این دولت نیرومند ایران باید نه در منطقه در خیلی فرامنطقه‌ای هم نفوذ داشته باشد و حرفش برو باشد. برای این کار شما باید نیرومند باشید. به عمل کار برآید به سخنرانی نیست. در این ما شکی نداریم. بنابراین ایران همچنان که آقای گرگین خیلی زیبا توصیف کرد تنهاست. نه اینکه در حوزه تمدنی خودش تنهاست. نه. الان با شرایط سیاسی که وجود دارد عنصر ایرانی در جهان متأسفانه تنهاست. اگر امروز این حکومت را برداریم بجاش حکومت دیگری هم بذاریم تنهایی ما تغییر نمی‌کند مگر اینکه با راهکاری که داریم با نگاهی که داریم بتوانیم که این پهنه فرهنگی ایران‌شهر را در حقیقت ببریمش به سوی ایجاد یک قدرت جهانی. الزامی هم نیست حتما مرزهای سیاسی تو این ایران‌شهر بزرگ برداشته بشود. می‌شود مرزهای سیاسی هم بماند ولی یک موجودیت نیرومندی در رده‌های مختلف در جهان خودش رو نشون بدهد. میشود از بعد بازرگانی از بعد اقتصادی از بعد فرهنگی از بعد سیاسی اینها دست تو دست همدیگر باشند کنار همدیگر بایستند و در کنار منافع ملی از منافع تمدنیشون هم پدافند کنند. اما صحبت از امنیت که میشود امنیت همیشه در برابر تهدید است. چیزی که می‌خواهم اینجا من بیافزایم به صحبت‌های آقای گرگین این است که تهدید فقط و فقط تهدید نظامی نیست برخی تهدیدات تهدیداتی هست که در میان مدت یا دراز مدت ما را زمین می‌زند مثل بیماریست که می‌افتد توی درخت و درخت رو از درون پوک می‌کند و می‌اندازد. من فکر کنم برای نمونه آنچه که در دهه چهل و پنجاه خورشیدی در ایران گذشت یک تهدید بود. اون تهدید فقر یا فقیر شدن ایران از بابت ایرانی بودن بود و غربی و اسلامی شدنش بود که از درون یک نظام رو فرو ریخت در حالی که اون دستاوردهایی که نظام گذشته داشت در بخشی از بخش‌ها انقدر بزرگ بود که کسی توقع نداشت که همچین اتفاقی رخ بدهد. ولی درون را ما ندیدیم که از اندیشه و از باور جامعه خالی شده و از ایرانی بودن خودش تهی شده. الان هم من فکر می‌کنم وقتی که در برخی از کشورهای همسایه ما دختران ایرانی می‌روند و تنفروشی می‌کنند وقتی در شرق آسیا یا آب‌های استرالیا خبرهایی می‌شنویم قایقی غرق میشود کشتی غرق میشود و توش ۷۰ تا ۱۰۰ تا ایرانی هستند که به، نه به امید زندگی بهتر من خیلی برام تلخ است این رو بگم، به امید گرفتن یک چیزی در ماه و یک زندگی بسیار سطح پایینی در استرالیا یا ژاپن یا کره داشتن عازم اونجا دارند میشوند یا اینکه خیلی ساده‌ترش وقتی که در استان‌های مرزی ما جهت آنتن‌های تلویزیون برمی‌گردد و می‌رود صدای کشورهای بیگانه رو می‌گیرد که هدفشون هم سمپاشی و تحریک علیه وحدت ملی ما علیه تمامیت ارضی ماست، این را ما در سال‌ها در خوزستان دیدیم در آذربایجان دیدیم. اینها همه تهدید است اینها تهدیداتیست که به نظر من از تهدید نظامی بسیار خطرناک‌تر است. ممکنه اثراش یک ماهه و دو ماهه نباشد. اثرش ده ساله و پانزده ساله‌ست. خب مسئله اتمی باعث شد توی این، البته مسئله اتمی از زمان محمدرضا شاه شروع شد ولی در زمان شاه فقید یکی اینکه خب مدت کوتاهی بود بعد انقلاب شد، پس از انقلاب هم یه شوک جنگ بود و تقریباً پس از جنگ مسئله اتمی ایران آغاز شد. هزینه‌هایی که براش

شد هزینه‌هایی بود که فوق‌العاده بیش از آنچه بود که میشد انجام داد و صاحب انرژی هسته‌ای هم شد یا حتی صاحب بمب اتم هم شد اگر که کسانی که در مصدر کار بودند خردمندانه و هوشمندانه عمل می‌کردند نه با شعارهایی که ما می‌خواهیم اسرائیل رو بفرستیم هوا. پیامد یک همچین شعاری نتیجه‌اش این میشد که شما ده‌ها برابر هزینه می‌کنی صدها میلیارد دلار زیان غیرمستقیم می‌بینی چون رفتی تو تحریم رفتی توی انزوای اقتصادی و بعد دستمون به هیچ‌جا بند نیست و اون فرصت‌های اقتصادی را هم از دست دادیم. یعنی الان تهدیدهای اقتصادی متوجه ماست. حالا جدا از مسئله زوال اخلاق و فرهنگ که دوستمون آقای گرگین به درستی اشاره کردند اگر امروز در ایران شش نفر معتاد در پایتخت یک دختر بچه یازده ساله رو زیر پل می‌برند و بهش تجاوز می‌کنند و دو سه نفر ابله اونجا می‌ایستند و فقط با تلفن‌شون فیلم می‌گیرند یعنی حداکثر کاری که از دست اونها برمیاد. این بزرگترین تهدیدیست که جامعه ایرانی رو تهدید می‌کند نه فقط جامعه امروز نسل ایرانیان رو. این یعنی زوال و فروپاشی. بنابراین همچنان که تأیید می‌کنم صحبت‌های کیخسرو گرامی رو که ما نیازمندیم ارتش نیرومند داشته باشیم نیرومند باشیم چون اگر نباشیم سلی می‌خوریم همچنان که تا حالا کم نخوردیم از قرارداد ترکمنچای شما نگاه کنید پیامد ضعیف بودن بود ضعیف بودن مدیریتی، ضعیف بودن اقتصادی و ضعیف بودن نظامی و جدا شدن بخشهای بزرگی از کشور، جدا شدن هرات از ایران، بخش‌هایی از افغانستان و امروز روز هم تهدیداتی که همیشه هست حالا الان در قالب تجزیه‌طلبی. من فکر می‌کنم که نباید با یک زاویه جلو رفت باید این تهدیدات رو در زمینه‌های دیگر هم شناسایی کرد و به اون‌ها هم دستکم همون بهایی رو داد که به مسئله امنیت ملی از دید نظامی داد.

- بین شاهین جان فرمایشت رو گرفتم. مطلوب است. ما باید امنیت داشته باشیم ولی آیا این امنیت رو در مقابل کی می‌خواهیم داشته باشیم؟ در مورد فقط کشورهای منطقه‌ست یا امنیت جهانی است؟ اگر به امنیت جهانی نگاه بکنیم ما امنیت فرهنگی رو بیشتر احتیاج داریم تا امنیت نظامی. بنابراین مسئله‌ای که من سؤال می‌کنم این است که آیا درسته؟ که ما تا دندون تا دندون مجهز بشویم به سلاح مختلف نظامی، ارتش بزرگ، هزینه‌های وحشتناک، تانک و توپ‌های وحشتناک و سلاح‌های اتمی که می‌دانیم چه هزینه وحشتناکی خرجش شده به دلیل عدم مدیریت و همش هم من خبر دارم از ایران که بیشترش اونهایی که تسلیحات شده تقریباً مونده همه جا وایساده کاری نمی‌کند این ساتنریفیوژها و این حرفها یک مقدار کوچیکش دارد کار می‌کند بقیه‌اش اصلاً قابل استفاده هم نیستش. اونوقت ما این همه کارتون خواب داشته باشیم این همه فقر اجتماعی داشته باشیم این فقری رو داشته باشیم که شهروندانمون به قول تو فرار بکنند واسه کسی که میرود تو اون قایق سوار میشود میرود که برود اندونزی یا یک جایی اون اینجا چیکار می‌کند؟ کار نظافت دیگه بهش میدهند دیگه. کار بیشتری که بهش نمیدهند. برای قوت روزیش هست. برا لقمه نانش هست. کسی که واسه لقمه نانش مملکتش رو می‌ذاره در میره میره، آیا سیر کردن جامعه ایرانی با این همه سوره‌های مالی که داریم انقدر سخت هست؟ فرهنگ کجاست؟ اخلاق کجاست؟ مذهب کجاست؟ کجاست که به این بدبختی اجتماعی نگاه نمیکند؟ شما یا آقای آرش گرگین می‌توانید برای بنده باز بکنید؟ جواب که چه عرض بکنم؟

- ببینید جناب اخوان این مسائلی که شما مطرح میکنید همش قصه‌ایست پر آب چشم. مسلماً دیدن هر شکم گرسنه برای هر فردی که... برای هر زرتشتی دردآور است. این یکی از مهم‌ترین دعا‌های ما آفرین‌های ما دعای اهورنورد که مهم‌ترین است، در اونجا گفته میشد که از درویشان دستگیری کردن امریست که امر مهم اهورامزداست و اصلاً کلا دین بهی و دین زرتشت برای این آمده است که این درویشی و این بی‌چیزی و این فقر از میان برود و این فقر را می‌شود در حوزه‌های گوناگون بررسی کرد. فقر فرهنگی، فقر اقتصادی، فقر دینی در هر صورت با تنگدستی باید مبارزه کرد و گرسنگی یک

امریست اهریمنی. این به جای خود ولی ببینید ما وقتی از دکتربین امنیتی کشور سخن می‌گوئیم این بدین معنیست که باید تمام این اموری که الان شما مطرح کردید و دوست من آقای نژاد هم مطرح کردند، این‌ها رو ما بتوانیم تفکیک بکنیم. برگردیم به زمان رضا شاه. ببینید زمان رضا شاه اگر قدرت نظامی رضا شاه و مردانگی سربازی به افسرانه رضا شاه و همراهانش نبود خب ایران نمی‌ماند. هیچ ایرانی نبود که بعدش بخواهد درش فرهنگستانی زده شود یا هزاره فردوسی برگزار شود. این نبود. اگر در زمان قجرها ایران دارای توان نظامی بسنده بود هرگز این استان‌های قفقاز ما از بین نمی‌رفت. یعنی از درون ایران جدا نمی‌شد. افغانستان از ما جدا نمیشد. این‌ها خب اون موقع هم گرسنه بود همیشه گرسنه هستش. این نمی‌شود صد در صد جلوییش را گرفت ولی مسئله بودن و نبودن مهم‌ترین امرش نگهداری از وجود هست. این را شما باید در نظر داشته باشید. در هر صورت بازگردم به سخن اول در پایه‌گذاری و سنجش اهمیت برای بنده امر نظامی از همه چیز مهم‌تر هستش تقریباً هم پای اون یک مقدار پایین‌تر از اون امر فرهنگی هست. این دو تا رو نمی‌شود از همدیگر جدا کرد ولی در نهایت اگر بخواهیم تصمیم بگیریم در یک بحث تئوریک که ثقل رو کجا بذاریم سنگینی را کجا بذاریم و چه چیزی در دکتربین امنیتی دارای بالاترین اهمیت هستش، مسئله نظامی و حفظ زمین و آب و خاک یک کشور از همه چیز مهم‌تر هستش. ایران زیر بته به عمل نیامده است. ایران کشور نیست مادر تمدن و مادر فرهنگ. این زوال اخلاقی و تباهی اجتماعی را که ما امروز داریم می‌بینیم این گذرنده است. ایرانیان از این بدی و از این شر برخوردارند آمد و این را رفع خواهند کرد. مردمان بسیار با فرهنگی هستند و حتی دروغ که امروز در سراسر جامعه ایران بالگشوده است. ببینید ایرانیان از اونجایی که می‌دانند دروغ گفتن زشت است، دارای مخاطرات فکری و روحی شدند امروز. شما وقتی می‌دانید که دروغ خوب نیست ولی دروغ می‌گویید دارای عذاب وجدان هستید. و جامعه امروز ایران دارای عذاب وجدان هست. دروغ می‌گوید. می‌داند دارد دروغ می‌گوید. لیک ناراحت است از این امر و این جای خوشبختیست. شما اگر ندانید که دروغ زشت است دیگر از بین رفته‌اید. ایرانیان این گونه نیستند. ما یک سری مشکلاتی برامون بوجود اومده صددرصد قابل مقایسه با دوران گذشته نیست و یکی از سیاه‌ترین دوران‌های اخلاقیمون رو پشت سر می‌گذاریم ولی بسیار نیرومندتر از این هستیم که بخواهیم در این زوال از بین برویم. آنچه که امروز برای ما تهدید مهم‌تری هست مسئله امنیتی ماست امنیت نظامی ماست. ببینید سرتاسر ایران را گروه‌هایی درست کردند که هر لحظه می‌تواند همه چیز را متلاشی بکند و برای این ساختند. گروهی مثل جندالله وقتی ساخته میشود و به درون مرزهای ایران گسیل میشود برای مبارزه فرهنگی نیست برای از بین بردن این آب و خاک هستش. تهدیدات اقتصادی و نظامی و سیاسی که امروز و تحریم‌هایی که اعمال میشود مسئله، مسئله امنیتیست. ایران اگر توان دفاع از خودش را داشت مسلماً این تهدیدات به شکل دیگری عنوان میشد. غرب به عنوان دشمن سر جاش هست و یک چیزی را هم اضافه بکنم مگر زمان شاه ما رباطمون با اسرائیل خوب نبود. ما جزو معدود کشورهای منطقه بودیم که تقریباً می‌شود گفت در یک هم‌پیمانی با اسرائیل به سر می‌بردیم. در یک هم‌پیمانی با غرب به سر می‌بردیم. ولی شاه را انداختند. این دیگر برای ما مشهود است. سر این ما صحبتی نمی‌کنیم. این انقلابی که راه انداختند جزو اولین انقلاب‌های رنگی بود که در خاورمیانه اتفاق افتاد. انقلاب‌های مخملی. پنج شش ماه در امنیت ایران نفوذ کردند. و این سرزمین رو متلاشی کردند خوشبختانه جغرافیا از بین نرفت ولی این داستان ادامه دارد. مهم این است که چه کسی بر روی ایران حکومت می‌کند به جای خود ولی در سراسر تاریخ وقتی نگاه می‌کنیم نگاه از بیرون به درون ایران نگاهی بوده است مبتنی بر از بین بردن ایران. این از بین بردن ایران رو ما باید درک بکنیم. برای جلوگیری از این، بمب اتمی به نظر من امریست مهم و بهتر است که همین رژیم هم حتی به همه پرسی بگذارد دهن کسان رو ببندد بگذارند به همه پرسی ایرانیان تصمیم

بگیرند که آیا بمب اتمی می‌خواهند یا نمی‌خواهند. باید شرح داد برای مردم توضیح داد. وقتی آدم توضیح بدهد فکر می‌کنم مردم ایران از این شعور برخوردار باشند که انتخاب درست رو انجام بدهند.

- شاهین عزیزم شما جواب بدید.

- بله داشتم فکر میکردم که مسئله امنیت، امنیت ملی در برابر تهدیدات بیگانگان فارغ از اینکه چه کسی در مسند کار باشد در ایران این هم می‌تواند باشد که نیروی نظامی بسیار نیرومندی در کشور ایجاد بشود، مستقر بشود، وجود داشته باشد بدون اینکه اتمی باشد. ما ارتش‌های کلاسیک داریم قدرت موشکی بالا دارند نیرو هوایی بسیار نیرومندی دارند نیرو دریایی بسیار نیرومندی دارند از سیستم امنیتی و اطلاعاتی بسیار قوی در بیرون از کشور برخوردارند در ارتباط با بیگانگان اما الزاما اتمی نیستند. این هم یک سناریوست. من فکر کنم تأکید بر اتمی بودن به خاطر شرایطیست که امروز پیش آمده و صحبت‌های روز است و گرفتاریهایی که الان در این ماه‌ها هموطنانمون بیشتر باهاش سرکار دارند و از طریق خبرها می‌شنوند و الان گفتگوهایست که با سران غرب دارد صورت می‌گیرد. ولی در اینکه ما نیازمند داشتن ارتشی بسیار نیرومند هستیم نه ارتشی که حریف همسایگانمون بشود خیلی بالاتر از آن، در این من شکی ندارم در این شما شکی نمی‌بینید. البته اگر تک بعدی بشود مثل کره شمالی فارغ از اینکه کره شمالی الان بمب اتم داشته باشد نداشته باشد هیچ کسی در دنیا آرزو نمی‌کند کره شمالی باشد. آن هم یک تباهکاری دیگه‌ست اما در اینکه ایران نیرومند اگر نیرومند نباشد بدخواه زیاد دارد در این ما شکی نداریم ما ملتی هستیم که متأسفانه به خاطر شرایط خاص ژئوپولیتیک و به خاطر پیشینه تاریخی که داریم دوست زیاد نداریم ولی دشمن تا دلتون بخواد داریم. حتی کسانی که به ما لبخند می‌زنند بدشون نیاد اگر بتوانند یک تیکه‌ای رو از این بدنه بکنند و ببرند. حالا این تیکه میتواند یک تیکه مالی باشد میتواند تیکه جغرافیایی باشد. در مورد مطلب امنیت اقتصادی و فرهنگی من در این زمینه فکر میکنم که با آقای گرگین کاملاً موافقم. ما باید فراموش نکنیم که شرایط ما شرایط شمال اروپا نیست. یک موقعی چند سال پیش من پیش خودم می‌گفتم مگر نروژ یا سوئد یا دانمارک یا اتریش بمب اتم دارند یا ارتش نیرومند دارند؟ اصلاً بمب اتم به کنار مگر ارتش نیرومند دارند؟ چرا کسی به نروژ و سوئد و دانمارک و هلند و اتریش چپ نگاه نمی‌کند؟ پس نیازی نیست که رفت سراغ نظامی‌گری. اما قیاس مع الفارق است. ما داریم در مورد جایی صحبت می‌کنیم که بیشترین پتانسیل مورد حمله قرار گرفتن رو داشته در طول تاریخ و هنوز هم دارد. همسایگان ما هم در شرایطی به سر می‌برند که نشون دادند که هم خودشون خیلی راحت می‌توانند به یک نقطه‌ای برسند که نقطه فروپاشیست مثل آنچه که در افغانستان گذشت، در عراق گذشت، در سوریه امروز دارد می‌گذرد هم اینکه می‌تواند همون سناریوی که اونجا نوشته شده جای دیگر نوشته بشود در ایران یا جای دیگر. در نتیجه وجود یک ارتش بسیار نیرومند و اقتدار نظامی که صددرصد امیدوارم دست یک دولت ملی باشد دست یک حکومت ایرانی به معنی واقعی کلمه‌اش باشد، چیزیست که ما به شدت نیازمندشیم. حالا از نظر من الزامی ندارد که اون اتمی باشد چون جنگ‌های اتمی جز بار اولی که بمب اتم در هیروشیما و ناگازاکی زمین زده شد دیگر رخ نداده و شاید هم به خاطر اینکه ما در کریدور انرژی جهانی قرار داریم یک سو دریای مازندران یک سو خلیج فارس و استفاده از بمب اتم علیه ایران به خاطر حرکت باد و حرکت بخارات اتمی می‌تواند همسایگان ما را هم آلوده کند شاید هیچگاه رخ ندهد ولی دستکم سلاح کلاسیک سلاح غیر اتمی و داشتن ارتش بسیار به روز و مجهز به نظر من خواسته ایران است نه برای امروز برای فردا و حتی برای پسفردا و دیروزش حتی که گذشت. یک کتابی هست به نام پرژن فایر الان حضور ذهن ندارم نویسنده‌اش کیست ولی این پرژن فایر آتش ایرانی از یک دیدگاه کتاب بسیار جالبیست از دوره هخامنشیان آغاز می‌کند بعد می‌آید اشکانیان و ساسانیان و میاد به عصر امروز به

روزگار امروز ما و می گوید فارغ از اینکه در ایران چه نگاهی در کشور مستقر باشد چه هیئت حاکمه باشند این عنصر ایرانی نام حکومت یا دولت نماید عنصر ایرانی ایرانین المنت این همون آتشی رو که اونجا اشاره می کند به آتش آتشکده ها آتش زرتشت میگوید اون آتش رو انگار دارد گاهی وقتها شعله اش می خوابد گاهی وقتها گر می گیرد و اون توصیه ای می کند می گوید که این آتش رو جدی بگیرید این خیلی راحت می تواند از زیر خاکستر بیرون بزند بعضی وقتها شعله اش کم است بعضی وقتها شعله بسیار زبانه می کشد در حقیقت این پیوستگی رو دارد می بیند در عنصر ایرانی فارغ از اینکه حکومتی که امروز در ایران است ممکنه خیلی وقتها به ساسانیان و هخامنشان فحش هم بدهد اون رو ما کار نداریم عنصر ایرانی رو در این شرایط می بیند. و من توصیه می کنم همیهنان اگر این کتاب رو دیدند نگاه کنند یک مقداری در همین بحث امنیت ملی ما وارد شده نه به صورت فقط شرایط امروز شرایط تاریخیش تا به امروز و یک مقداری بیشتر ما را به فکر فرو می برد که ما باید بیش از پیش نگران باشیم یعنی حق داریم نگران باشیم.

- در تایید فرمایشات شما کیسینجر هم در کتابش اشاره کرده که جامعه ایرانی به این دلیل پابرجاست که جامعه کهنیست و سالیان دراز بوده و به همین دلیل فروپاشیش مشکل است. این کدیست از آقای کیسینجر.

- بله عذر می خواهم صحبتتون رو قطع می کنم یک جمله هم اضافه کنم چون گفتید برنارد لوئیس هم که یکی از بزرگترین در حقیقت تینک تنکهای حال حاضر است که به هر حال من نمی دونم هنوز در ...

- بله فوت شده. بله دشمن درجه یک ایران.

- والا دشمن بود ولی آدم بسیار هوشمند و واقع بینی هم بود. یک صحبتی که کرد فکر می کنم ۹۳ یا ۹۲ بود یعنی یکی دو سال پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق گفت که بروید و نگران پرشیای بزرگ باشید. همان ایرانشهری که ما امروز داریم ازش سخن میگویم. اون ۲۲ سال ۲۳ سال پیش این صحبت رو کرد که الان هست مکتوب است می شود همیهنان بینند.

- من شخصا با فرمایشات شما موافق هستم. ولی هنوز بر اون عقیده هستم که سلاح اتمی و ارتش نیرومند برای که باشد؟ میدونید مثل این میمونه که در جامعه ایرانی الان در این منطقه که ما هستیم میبینیم که عروسیهایی که می گیرند هی گنده تر و گنده تر و گنده تر و با شکوه ترش می خواهند بکنند. تا چه حد؟ برای کی؟ تا کجا می توانید برید؟ هرچقدر هم گنده باشد اون هنرپیشه که پول یامفتی گیر آورده یک مهمونی می تواند بدهد از شما بالاتر باشد. اینه که نمایش سلاحی

برای که؟ این هنوز مسئله من است. آیا ما می خواهیم جلوی قدرت های جهانی بایستیم؟ قدرت بزرگی مثل آمریکا یا شوروی بایستیم یا می خواهیم در منطقه خودمون رو حفظ بکنیم. بنابراین یک سورپلاسی باید از این هزینه های وحشتناک بذاریم برای فاندیشن جامعه، برای پیشرفت جامعه این نظر است. حالا شما چی دارید بگید من نمی دونم. چیزی ندارید؟

- بله ببینید بله خواهش می کنم. مسئله سلاح هسته ای به عنوان اولتیماتو به عنوان آخرین حربه و به عنوان آخرین گزینش ممکن در شرایط بحرانی مطرح هستش. شما ارتش کلاسیک داشته باشید مسلما بسیار مهم است. بدون ارتش کلاسیک قوی کشور می پاشد. ولی امنیت امروز جهان شورای امنیت دست چه کسایی هست؟ دست پنج قدرت هسته ای.

خب این شورا ما درش حضور نداریم و این شورا بر سر جهان چون بختکی افتاده است و تصمیماتی می گیرد که این تصمیمات مشروعیتی که دارند مشروعیت هسته ایست. مشروعیت قدرت هسته ای این ها هستش. چیزی دیگری نیست. وگرنه سوئیس، ایران، افغانستان ما هم جزو کشورهای جهان هستیم و همگی باید در این شورای، مگر امنیت جهان نیست؟ نامش هست شورای امنیت جهان، لیک این شورای امنیت جهان که حق و تو هم دارند می توانند تصمیمات یکدیگر را وتو بکنند

از آن پنج قدرت هسته‌ای جهان است. این‌ها واقعیت‌ها و فکت‌های بیرونی جهان امروز هست. در یک همچین آشفته بازاری که منطق، منطق حاکم بر امور جاری جهان بر اساس زور هست شما اگر زورمند نباشید و همپایه نباشید باید سرتان را بگیرید پایین. این واقعیت است چه ما خوشمان بیاید چه خوشمان نیاید. رقابت تمدنی ما از منظر تمدنی و غنای تمدنی خب آمریکا اصلا قابل مقایسه با ما نیست. یک کشور کی هستش که به وجود آمده است دویست سیصد سال تمام تاریخش رو نگاه بکنید فاجعه است. ما که ایران رو در سطح آمریکا که پایین نمی‌آوریم. خیر. اونچه که برای ما مهم هست این است که ایران در برابر این توحش برنامه‌ریزی شده و نهادی شده در جهان امروز چگونه بتواند از این محاصره بیرون بیاید و جان سالم به در ببرد. هزینه دادن برای بقای ایران اصلا نباید در ذهن ما باشد. اینکه چند صد میلیارد و چند صد میلیون هزینه داده شده است و باید داده شود برای اینکه ایران بماند امری نیست که به عنوان پرسش منطقی بتوان به آن پاسخ داد. مسلما اقتصاد بسیار مهم است. همونجوری که هم بنده گفتم هم جناب نژاد گفتند فرهنگ امریست بسیار مهم و ما اگر فرهنگ نداشته باشیم فرهنگ سیاسی، فرهنگ اقتصادی شما وقتی پول داشته باشید اقتصاد قوی داشته باشید ولی فرهنگ بهره برداری از اون اقتصاد رو نداشته باشید خب این جامعه دچار دکادنس می‌شود. کما اینکه در زمان محمدرضا شاه جامعه در اواخرش دچار دکادنس شد، تباهی به وجود آمد و این‌ها رو ما از دست دادیم. بنابراین فرهنگ امریست بسیار مهم و اون برمی‌گردد به همین موضوعی که ما مطرح کرده‌ایم که این جنبش بازیابی یک حرکت در نهاد خود یک حرکت فرهنگی‌ست. ولی دوستان فراموش نکنید ارتقا سطح فرهنگی یک جامعه امریست بطئی، زمانبر است. گاهی ۳۰ سال ۴۰ سال ۵۰ سال چه بسا ۱۰۰ سال طول بکشد. ما ۱۴۰۰ سال هست در یک گسست فرهنگی به سر می‌بریم. برطرف کردن این تباهی‌ها نیاز به زمان دارد ولی امر امنیت امر بودن و نبودن امریست کماکان جاری ما هر لحظه تحت فشارهای گوناگون امنیتی در سراسر جهان هستیم. دشمن هم یکی دو تا نیست جناب اخوان شما می‌گویید دشمن ما کیست بر علیه چه کسی؟ بر علیه همه. چون همه بر علیه ما هستند. چین بر علیه ما هست روسیه بر علیه ما هست همسایه‌ها بر علیه ما هستند غرب در کلیتش بر علیه ما هست. خب دیگر چند تا دشمن یک کشور باید داشته باشد؟ بنابراین گاردی که ما می‌گیریم گارد بر علیه همه هست. همانگونه که آمریکا بر علیه همه گارد دارد. همانگونه که روسیه بر علیه همه گارد دارد. روسیه غافل باشد چین روسیه رو می‌بلعد. آمریکا اروپا رو بلعیده است. این امنیتی که در نروژ و کشورهای اسکاندیناوی هست زیر چتر امنیتی آمریکا دارد اتفاق می‌افتد. این‌ها هست. ولی ما زیر چتر امنیتی هیچ کس نیستیم بلکه زیر چتر تهدیدات گوناگون و عدیده هستیم. این را باید سبک سنگین کرد و درباره‌اش یک تصمیم‌گیری عاقلانه گرفت. فارغ از اینکه چه کس در ایران حکومت می‌کند. اصلا اهمیتی ندارد. از منظر دکترین امنیت تمدنی ما شاه و خامنه‌ای و رضا شاه و نمی‌دونم احمدشاه قاجار بی‌اهمیت‌اند. می‌ایند و می‌روند. ایران یک کل تمدنی هست که امروز تیکه تیکه هم شده است. تاجیکستان و پاکستان و افغانستان و سلیمانیه و اینها همه ایرانند. اینها همه ایران‌شهرند. ما اگر می‌توانستیم از لحاظ نظامی در درجه‌ای باشیم که بتوانیم خودمون را نگه بداریم مسلما وضع اقتصادیمون هم دگرگونه میشد. مسلما با ایجاد امنیت و قدرت هر حکومتی هم سر کار باشد اعتماد به نفس دیگری دارد و لرزش از افتادن برای کسی که سر قدرت هستش همیشه یک امری هستش که او را به سوی استبداد می‌برد. یعنی وسوسه می‌کند که برای پیشگیری از فروپاشی خود یک مقدار درها را ببندد. این یک چیز طبیعیست. یک انسان قدرتمند یک مرد گردنکلفت کمتر دعوا می‌کند تا یک مردی که زوری نداشته باشد. این چیز طبیعیست. آنکه قوی است زیاد نیاز به درگیری ندارد. ما هم باید قوی بشویم که درگیری درونی رو ببریم پایین. یعنی اختلافاتی که همیشه میان جامعه و حکومت هستش تا جای ممکن کاهش پیدا بکند. البته اون برمی‌گردد به الیت فکری

جامعه که دولت رو چگونه تعریف بکنند، جامعه رو چگونه تعریف بکنند، هر کی که روشن فکر می شود یک چاقو می گیرد دستش می خواهد سر کسی که اون بالاست ببرد. این تاریخ روشن فکری ایرانی ست. دائم می خواهند این حکومت رو منفجر بکنند. خب اینها باید از این جامعه ترد بشوند از لحاظ معنوی ترد بشوند. ولی اینها مشکلات درونیست. چه روشن فکر باشد چه نباشد آمریکا هست، روسیه هست، چین هست، اینها هستند. ما باید این واقعیت رو در نظر بگیریم سبک سنگین بکنیم که ثقل امنیتی رو کجا بذاریم. هم برای امروز، هم برای میان مدت و هم برای بلند مدت. هدف بنده و هدف دوستان بنده تبدیل کردن ایران زمین، ایرانشهر به زیباترین، قدرتمندترین و نیک ترین کشور جهان است. لیک نیکی بدون قدرت به دست نمی آید. اهورامزدا که ایزد ماست هرویسپ توان است. یعنی دارای توانمندی کامل. ایران نیز باید دارای توانمندی کامل باشد که بتواند بهترین کشور جهان باشد. ایران خوب باشد مطمئن باشید جهان حالش بهتر است. ایران ضعیف همواره در پیرامون خود نیز تباهی می آورد. ایران را باید قوی کرد در تمامیت تمدنی اش و بمب اتم در شرایط اهریمنی موجود به عنوان ابزاری برای مرگ برای پیشگیری از مرگ است. امریست مرگ آور برای پیشگیری از مرگ. ما باید بترسانیم دیگران رو. دیگران باید از مرگ خود بترسند. یک کم دست از سر این مملکت بردارند.

- فرمایشاتون وزین است. من فرمایشات شما و شاهین رو پذیرفتم ولی در آخرین لحظه برنامه آرزو می کنم. آرزو می کنم که این قدرت رو این توان نیرومند نظامی را که ما فکرش را می کنیم و باید داشته باشیم در دست میهن پرستان و ایرانیان واقعی بودش. نه در خدمت مذهب. برای اینکه این توان هر جا در هر کجای دنیا در خدمت مذهب بوده چیزی جز خرابی و بدبختی به وجود نیآورده. در هر حال از هر دوی آقایون خیلی متشکرم تا برنامه بعدی که در خدمت باز هم شما دو تا هم خواهیم بود از حضورتون خداحافظی می کنم. مرسی آرش گرگین مرسی شاهین نژاد.

- سپاسگزاریم بدرود

- خدانگهدار

- خانم ها آقایان افتخاری بود که در خدمت شما بودم بحثی رو ادامه دادیم امید دارم که شما هم از این بحث بهره ای گرفته باشید تا برنامه دیگر به نام خداوند جان و خرد.